



۲۰۲۲/۰۵/۲۶

کاندید اکادمیسین سیستانی / مختصات افغانستان، بخش: نخبگان و مشاهیر

نقش شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی شمال شرق افغانستان

برخی از شخصیت‌های پشتون که به صوابدید دولت افغانستان به شمال کشور مقیم شده اند، مصدر خدمات فراموش نشدنی نیز شده اند که یکی از آنها شیرخان خروتی پدر کلان فرهاد دریا هنرمند معروف است. شیرخان یکی از افغانهایی مبتکر، متشبث خلاق و مدنیت گستر در شمال کشور بوده است که بندری بنامش در شمال افغانستان بین تاجکستان و افغانستان نامگذاری شده است. و توسط پلی بردریای آمو تاجکستان را با افغانستان ارتباط میدهد.



Av Daud Safi



شیر خان ناشر از طایفه خروتی (قوم غلجائی) یکی از بزرگان و خانان و زمینداران بزرگ و مشهور خروتی معاصر امان الله خان و نادر خان بود. پس از آنکه حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقاو از دست نادر خان شکست خورد، قوای شیرخان به قصد سرکوب یاغیان سقوی به شمال افغانستان گماشته شد. شیرخان تمام اشرار سقوی و باسمة چیهای متعلق به ابراهیم لقی را که از بچه سقاو حمایت کرده بودند سرکوب و مجبور به فرار به آنسوی پارادریا (رود آمو) نمود. نادرشاه به منظور استقرار اوضاع فرمان می‌دهد تا شیرخان و افراد او در ولایت کندز بطور دائم اقامت اختیار نمایند. شیرخان در سال ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۰) به صفت والی قطغن و بدخشان مقرر میشود. غلام سرور ناشر یکی از فرزندان شیرخان در شهر کندز [گهندژ] مراکزی چون شیر خان بندر، شرکت تولید روغن «سپن زر»، هتل سپن زر، و لیسه شیرخان و غیره را تأسیس می‌نماید.

سایت «مندیگ» به نقل از «صفیه حلیم» نویسنده و محقق پشتون روایت میکند که: یک قرن قبل شخصی بنام شیرخان خروتی، از قره باغ غزنی به هند رفت و در آنجا به با پول شخصی خود به تجارت پرداخت و سپس از هند به آسیای مرکزی و روسیه رفت و در سمرقند کتابهای کمیاب دینی و تاریخی را دست یاب و محررین فارسی زبان را استخدام میکند تا آنها را بفارسی برگردانند. وقتی امیر امان الله خان از این اقدام او مطلع میگردد، او را فرامیخواند و بخاطر چاپ این کتابها به او مدال درجه اول معارف را با لقب «ناشر» اعطا میکند. من باری از فرهادریا در فیسبوک پرسیدم که نام کتابهای که شیرخان توسط مترجمان سمرقندی ترجمه و چاپ کرده بودند، اگر وجود داشته باشد بمن بگوید ولی جوابی نگرفتم.

شیرخان ناشر در دوره سقوی به دیره اسماعیل خان میرود. در عهد نادرشاه ابتدا بحیث ولسوال اورگون و بعد بحیث نایب الحکومه قطغن و بدخشان مقرر میگردد. او پس از تصفیه باسمة چی های بخارائی به آنسوی آمودریا، در قندوز پلان شهری را پیاده میکند و با کشیدن سرکها و تمديد پایه های

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

به صفحه قاموس بکیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

تلیفون، شرکت «روغن پنبه دانه» را تاسیس میکند. او برای کارگران شرکت خود خانه و کلینیک صحتی و مکتب میسازد.

شیرخان در سال 1930 زمین های قزل قلعه را برای ساختن یک بندرتجارتی آماده مینماید و دفترهای گمرک و خانه های نشیمن برای مامورین و مکتب و کلینیک صحتی اعمار میکند که بعد بنام بندر شیرخان نامیده شد.

پس از آنکه فابریکه روغن سپین زر به همت و تلاش سرور ناشر فرزند شیرخان ناشر در قندز فعال گردید ، مردم بغلان و قندز به کشت پنبه و لبلبو روی آوردند و ناقلین پشتون زمین های دلدزار و باتلاقی قندز و بغلان را با پشتکار و زحمت کشتی خود توانستند به زمین های آباد و حاصلخیز مبدل کنند. و سالانه از زمینهای خود دو بار و سه بار حاصل بگیرند و از این مدرک تحولی در زندگی اقتصادی مردم پدید آمد که بعد از آن بجای، ضرب المثل قدیمی که میگفتند: «اگر مرگ میخواهی قندز برو» چنین تغییر شکل یافت که: «اگر مرد میخواهی قندوز برو»

آقای انجنیر احسان الله مایار روزی برایم در تلیفون تعریف میکرد که «در زمان صدراعظم هاشم خان بعد از کشیدن نهر گوهرگان دولت زمینهای تحت آبیاری این نهر را فی جریب به یک قران میفروخت، اما مردم حاضر به خریداری آن زمین ها نبودند. وی افزود که زمین دشت ارچی نیز خاره و لامالک بود تا آنکه دولت مردم بی زمین پشتون را از ولایات جنوب به آنجا اسکان داد و آنها این زمین ها را به زمین های زرخیز مبدل کردند.»

در ولایات شمال کشور زمینهای لامزروع دولتی همواره بیشتر از زمین های مزروعی است که مردم اسناد مالکیت آنها بدست دارند. دولت برای استفاده بیشتر از زمینهای لامزرع در وزارت داخله کشور اداره بی بنام ریاست املاک و اسکان ناقلین بوجود آورد تا اشخاص بی زمین و مستحق را از دیگر ولایات پیدا کرده با دادن گندم بذری و حتی پول تقاوی تشویق به رفتن در ولایات شمال کشور نماید. به این ترتیب دولت مردم را بر روی زمین های لامزرع دولتی اسکان و جابجا میکرد. به نظر میرسد که مردم ترکتبار شمال کشور تا دهه 50 قرن بیستم چندان رغبتی به امور کشاورزی نداشتند و بیشتر به مالداری و قالین بافی و تربیه گوسفند قره قل و تجارت پوست قره قل و قالین به خارج علاقه داشتند و بیشتر زمین های شمال کشور به دلیل عدم علاقمندی مردم بومی به کشت و زراعت، خاره و لامزروع شده بود و یا به باتلاق ملاریا زامبدل شده بودند. چنانکه در میان مردم ضرب المثلی بود که میگفتند: «اگر مرگ میخواهی به قندوز برو»، زیرا که وجود پشه ملاریا واقعاً مردم را میکشت و در قندوز کمبود نیروی بشری احساس میشد، تا آنکه دولت پروژه مجادله با ملاریا را روی دست گرفت و داکتر عبدالرحیم خان را که تازه از آلمان پس از تحصیلات طبی برگشته بود به کندز فرستاد و او برآستی در محومرض ملاریا در شمال کشور نقش بسیار موثر و قابل قدری ایفا کرد و بر اثر همین خدمات خود به حیث وزیر صحت عامه ارتقایافت.

آقای حسن بیژن ، جهانگرد معروف افغان ویک از اهالی قلم و اندیشه که زاده و پرورده قندز است، از چشم دید خود درباره خدمات شیرخان ناشر و پسرش سرور ناشر نکات جالبی بیان کرده میگوید:

«جناب سیستانی صاحب !

برای من که متولد شهر کندز استم و در زمان ریاست جمهوری محمد داود خان از لیسه شیرخان کندز فارغ گردیده ام ، خوانش این مقاله تحقیقی که به نقش شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی شمال شرق افغانستان اختصاص یافته ، از اهمیت ویژه و دلچسپی خاصی برخوردار میباشد. من از صنف اول الی ختم صنف دوازدهم با نام شیرخان و فرزندانش از آن جمله غلام سرور ناشر رئیس اسبق فابریکه سپین زر شرکت و کارکرد های شان به نحوی از انحا آشنایی داشته ام. یکی از پسران کاکای فرهاد دریا که توران نام داشت الی ختم دوره لیسه همصنفی من بود. من یک بخش بزرگی از فعالیت های

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

این خانواده بزرگ را در کندز به چشم سرمشاهده کرده ام. بخشی از کارکرد های این خانواده در کندز و حومه آن که مربوط به دوره شیرخان میشود ، آنرا از زبان پدرم و سایر بزرگان کندز شنیده ام. جای خوشبختی است که اینک با خوانش این مقاله تحقیقی پرمحتوا که به همت جناب شما تدوین یافته ، معلومات آفاقی من در مورد فعالیت های گسترده خانواده ناشر در کندز و مربوطات آن تکمیل گردید.

جناب سیستانی صاحب !

شما به نکات بسیار بسیار ارزنده و حیاتی که ارتباط میگیرد به نقش مثبت خانواده ناشر در کندز به خصوص کارکرد های وطنپرستانه شیرخان ، تماس گرفته اید که برای شخص خودم نهایت آموزنده بوده و از ارزش والایی برخوردار میباشد. آنگونه که من از زبان پدرم و سایر بزرگان کندز شنیده ام ، در آن سالها کندز به یک دلدلزار لامزروع میماند که رفتن و مسکون شدن در کندز به معنی تبعید یک شخص بود. در آن زمان این اصطلاح مروج بود که : «مرگ میخواهی کندز برو» که بعد ها با آباد شدن کندز و آماده شدن زمین کندز به زرع و رشد زراعت ، آن اصطلاح چنین تغییر کرد : «زندگی میخواهی کندز برو». بعد ها کندز چنان آباد و معمور شد که به گدام غله افغانستان شهرت یافت.

جناب سیستانی صاحب !

آباد شدن کندز و تبدیل شدن یک سرزمین وسیع دلدلزار به کشت و زراعت ، فقط و فقط در نتیجه تلاش های خستگی ناپذیر شیرخان بود که بایستی از درگاه ایزد منان روح این مرد بزرگ را شاد بخواهیم. خانواده ناشر نقش بزرگی را در زمینه ترویج علم و معرفت در کندز ایفا کرده است. تاسیس لیسسه شیرخان کندز ، تاسیس تیتر و سینما های ناشر ، کتابخانه ناشر ، تاسیس لیسسه نسوان کندز ، تاسیس فابریکه سپین زر شرکت در کندز و ایجاد نمایندگی های آن در ولسوالی های کندز و تخار و همچنان تاسیس چمن سپین زر و هوتل و شفاخانه سپین زر را میشود از جمله دستاورد های درخشان تلاش های دلسوزانه و وطنپرستانه غلام سرور ناشر در کندز برشمرد. یادم است وقتی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه ذریعه طیاره مخصوص شان بنام کندهار ، به کندز تشریف میاوردند ، هواپیمای شان در چمن سپین زر پارک می شد و اعلیحضرت تا ختم ایام اقامت شان در کندز ، مهمان غلام سرور ناشر میبودند.»

آقای صالحی یکی دیگر از باشندگان کندز میگوید تصدی سپین زر شرکت امکانات زیر را برای کارگران خود فراهم کرده بود:

-معاش مناسب ماهوار.

-هفت کیلو روغن نباتی تولید خود تصدی سپین زر.

-هفت کله صابون تولید تصدی سپین زر.

-خانه رهائشی و یا کرایه ماهوار آن.

-تامین انرژی برق حرارتی و یا جنراتور دیزلی.

-مواد محروقاتی برای زمستان از باغ های سپین زر و یا هم پوستک دانه پنبه.

-موجودیت مکتب ابتدایه و یا متوسطه برای اطفال منطقه در اکثر از نماینده گی های سپین زر در ولسوالی ها.

-اعمار یک باب مسجد در هر نماینده گی.

-اعمار و موجودیت کلوپ (هوتل) در هر نماینده گی برای مهمانان دولتی و سپین زر.

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

-اعطای یک الی سه ماه معاش بخششی بعد از تصفیه بیلانس در اخیر هر سال مالی برای تمام کارمندان سپین زر.

-تداوی مجانی کارگران و کارمندان و اعضای فامیل آنها در شفاخانه مرکزی سپین زر در کندز و فرستادن هیت صحتی برای تداوی مؤظفین و اعضای فامیل آنها به تمام نماینده گی ها ربع وار در طول سال.

-پرداخت کرایه موتر برای انتقال فامیل کارمند در صورت تبدیلی از یک نماینده گی به نماینده گی دیگر.

-پرداخت تقاعدی نقداً ووووو

سنگ تهداب ترقی و پیشرفت در همه عرصه های زندگی مردم ولایات کندز، بغلان، تخار و بدخشان توسط شیرخان و خانواده ترقی پسند او گذاشته شده است. ما مردم قطغن زمین مدیون و مرهون این خانواده بزرگ هستیم، خداوند بزرگ همه ی گذشته گان شان را بهشت برین نصیب نماید و بر عمر با برکت زنده های شان بیفزاید، آمین».

آقای عزیز اریب یکی دیگر از فرزندان کندزوبغلان از کارکردهای شیرخان درسمت شمال کشور چنین یاد میکند: «شمال کشور با دستان طلائی و عشق بی پایان و تدبیر و درایت شیرخان ناشر بزرگ، شمال شد و و بنیاد و اساسش تغییر کرد. کندز که نامش با مرگ همراه بود، به سرزمین زندگی و شکوه و جلال مبدل شد. و بعد از شیرخان بزرگ، سرور ناشر راه پدر را تعقیب نمود و در سراسر ولایات کندز، تخار، بدخشان و بغلان این شکوه و جلال را در تمام سطوح تعمیم بخشید. فابریکه های سپین زر را در سطح ولسوالی ها و ولایات تعمیر نمود. کشت پنبه سطح زندگی دهقانان را بلند برد و زمینه کار برای جوانان در فابریکه ها را مساعد ساخت. که من شخص ناظر و شاهد عینی این تغییر بودم. که متأسفانه همه یی این دست آوردها در نتیجه جنگ چهل سال اخیر، محو و نابود شد.

نام بزرگمردان شیرخان ناشر و سرور ناشر در تاریخ کشور و به خصوص در حافظه چندین نسل ولایات شمال کشور برای همیشه باقی خواهد ماند.»

با توجه به نظریات آقای بیژن و آقای صالحی و آقای اریب و دیگر صاحب نظران بغلان و کندز، تردیدی باقی نمی ماند که بر اثر ابتکار و پشت کار شیرخان و خانواده اش و ایجاد تاسیسات صنعتی در قندز و بغلان، ارزش زمین در صفحات شمال کشور بخصوص در قندوز و بغلان بخاطر حاصل دهی محصولات پنبه و لبلبو و دیگر نباتات صنعتی بالا رفت و چون ناقلین پشتون در تولید محصولات زمین خود پیشقدم تر بودند، دشمنان وحدت ملی افغانستان در میان مردم بومی چنین تبلیغ میکردند که حاکمیت پشتونها در افغانستان سبب ستم ملی بر مردم اوزبک و تاجیک صفحات شمال کشور شده و زمین های سمت شمال با زور و عنف از مردم اوزبک و تاجیک شمال گرفته شده و به اقوام پشتون جنوب داده شده است و می باید این مردم دوباره به سرزمین های اصلی خود بجنوب هندوکش برگردند!؟

بدبختانه نتیجه این تبلیغات، اعمال سیاست تصفیة قومی پشتونها در شمال کشور از سوی قوماندانان بیسواد جمعیت اسلامی و جنبش ملی - اسلامی رشید دوستم بود که تا کنون دوبار اقوام پشتون شمال کشور با شقاوت های قومی و تباری روبرو شدند: بار اول در دهه 90 قرن بیستم همزمان با روی کار آمدن حکومت تنظیمهای جهادی و سر بر آوردن رشید دوستم در شمال کشور، سیاست تصفیة قومی مبنی بر اخراج اجباری اقوام پشتون از صفحات شمال روی دست گرفته شد و کسانیکه در تمویل این تصمیم تعلل می ورزیدند بلادرنگ کشته میشدند. بسیاری از خانواده های پشتون از دم تیغ بی دریغ

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

قوماندانان رشید دوستم و جمعیت اسلامی گذشتند و حتی خرمن های گندم و محصولات به ثمر رسیده شان آتش زده میشد تا اینکه طالبان ظهور کردند و شر آنها را از سر مردم پشتون و غیر پشتون کوتاه ساختند.

بار دوم با سقوط حکومت طالبان توسط بمباردمان های 52B امریکائی، پشتونهای شمال کشور بجرم همزیانی و به بهانه همکاری با طالبان در ولایات فاریاب و بلخ و قندوز و تخار و بدخشان و بغلان و سمنگان و بادغیس و هرات مورد ظلم و تعدی و تجاوز نیروهای ائتلاف شمال قرار گرفتند، خانه ها و مال و دارائی شان به غارت برده شد و بر زنان و ناموس شان تجاوز صورت گرفت. بگزارش بی بی سی، در سال 2002 در حدود 80 هزار نفر از پشتونهای شمال کشور در حالیکه تمام مایملک خود را از دست داده بودند، تنها خود و فرزندانشان خود را تا جلال آباد و هلمند و قندهار رساندند و در کمپ های بیجا شدگان داخلی پناه گرفتند و حتی تا امروز هم دوباره به محل سکونت اصلی خود باز نگشته اند، زیرا خانه و سرپناه و زمینهای شان از سوی قوماندانان ائتلاف شمال غصب گردیده و بنام افراد زورمند محلی قباله شده است و دولت کرزی و اشرف غنی توانائی تطبیق قانون و رساندن حق به حقدار را در این ولایات نداشتند. بدون ترئید بسیاری از این آراگان اجباری به صفوف طالبان پیوستند تا روزی انتقام خود را از قوماندانان جمعیت اسلامی و جنبش اسلامی دوستم بگیرند. پایان

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ